

## بیانات

بیانات مقام معظم رهبری در جمع بسیجیان به مناسبت هفته بسیج

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على سيدنا و نبينا ابي القاسم محمد و على اله الطيبين الأطهرين المنتجبين الهداة المهديين المعصومين. سيما بغيّة الله في الارضين.

امسال سالروز تشكيل ارتش مبارك بيست ميليوني - به فرمان امام راحل حكيم ما - با ايامي مصادف شده است كه از لحاظ تاريخي، حامل خاطره‌هاي بزرگي است. امروز، روز شهادت هفتمين امام معصوم، حضرت موسي بن جعفر عليه السلام است، كه من به شما عزيزان و فرزندان بسيجي ام، اين خاطره مصيبت بار را تسليت عرض مي كنم.

در روزهاي آينده هم مبعث عظيم و الهی حضرت خاتم النبيين محمد مصطفي صلي الله عليه وآله وسلم است كه پيشاپيش، اين عيد بزرگ را هم به همه ملت ايران، به همه مسلمانان جهان و بخصوص به شما جوانان عزيز بسيجي در سرتاسر كشور، تبريك مي گويم و اميدوارم كه مبعث، در دل و جان، در رفتار و جهتگيريهاي عمده زندگي شما، نقش اول و اساسي را داشته باشد.

بسيج، يكي از بركات انقلاب و از پديده‌هاي بسيار شگفت آور و مخصوص اين انقلاب است؛ اين هم يكي از آن گنجينه‌هاي معنوي بي پاياني است كه امام بزرگوار ما با ديد الهی خود و با حكمتي كه خدای متعال به او ارزاني کرده بود، براي كشور و ملت و انقلاب ما به يادگار گذاشت.

اگر بخواهيم بسيج را در يك تعريف کوتاه معرفی كنيم، بايد بگويم: بسيج، عبارت است از مجموعه‌اي كه در آن، پاكترين انسانها، فداكارترين و آماده به كارترين جوانان كشور، در راه اهداف عالي اين ملت و براي به كمال رساندن و به خوشبختي نائل كردن اين كشور، جمع شده‌اند. بسيج، عبارت است از تشكيلاتی كه در آن، افراد متفرق و تنها، به يك مجموعه عظيم و منسجم و به يك گروه آگاه، متعهد، بصير و بيناي به مسائل كشور و به نياز ملت، تبديل می‌شوند؛ مجموعه‌اي كه دشمن را بيمناك و دوستان را اميدوار و خاطر جمع می‌كند. معناي بسيج، اين است.

بسيج در حقيقت، مظهر يك وحدت مقدس، ميان افراد ملت است. همه ميدانهايي كه بسيج در آن حضور پيدا کرده است، ميدانهاي ملي است؛ ميدانهاي مربوط به همه ملت - مثل ميدان دفاع مقدس، ميدان سازندگي و خدمات عمومي - است. هيچ وقت كشور، از يك مجموعه عظيمي كه از بهترين فرزندان كشور و با اين خصوصيات تشكيل شده است، بي نياز نيست.

بسيج در واقع، مظهر عشق و ايمان و آگاهي و مجاهدت و آمادگي كامل، براي سريلند كردن كشور و ملت است. شما كه در بسيج هستيد، به عنوان نيروهاي مؤمن و آگاه، قدر اين خصوصيت را بدانيد. امروز سازماندهي بسيج در سراسر كشور، در حدود پنج ميليون نفر است؛ اما اين سازماندهي، يقيناً از اين گسترده تر خواهد شد. و با يك ديد وسيع كه نگاه كنيم، همه انسانهايي كه اين خصوصيات را دارند، در واقع جزو بسيجند. در حقيقت همه انسانهاي مؤمن، آگاه، بصير، عاشق، متعهد، علاقه مند و آماده به كار، در هر ميداني از ميدانها كه براي ملت مفيد است، حضور دارند، جزو بسيجند. لذا بسيج، يك نام مقدس است.

من به شما عزيزانم عرض كنم كه يكي از برجسته ترين خصوصياتي كه ما براي فرد بسيجي قائل هستيم، عبارت است از صفا و خلوص. اخلاص و معنويت بسيجي و ارتباط با خدا در بسيجي، يك خصوصيت عمده است. من از اين اجتماع بزرگ شما استفاده مي كنم و به همه شما و همه كساني كه صدايم را مي شنوند - يا بعداً خواهند شنيد - عرض مي كنم: عزيزان من! رابطه خودتان را با خدا، هرچه مي توانيد مستحكم تر كنيد؛ بخصوص در اين ماههاي مبارك - ماه رجب و ماه شعبان - كه ماههاي دعا، استغاثه، رابطه گرفتن با خدا، و راز و نياز كردن با معشوق حقيقي هر انسان است. در اين ماهها، خود را براي ورود بر سر سفره ضيافت الهی - در ماه رمضان - آماده كنيد.

در ماه رمضان هم - در همه روزها و شبها - دلهايتان را هرچه مي توانيد با ذكر الهی نورانيتر كنيد، تا براي ورود در ساخت مقدس ليله القدر آماده شويد، كه: «ليلة القدر خير من الف شهر. تنزل الملائكة والروح. فيها ياذن ربهم من كل امر» (1). شبی كه فرشتگان، زمين را به آسمان متصل می‌كنند، دلها را نورباران و محيط زندگي را با نور فضل و لطف الهی منور می‌كنند. شب سيلم و سلامت معنوي - سلام هي حتى مطلع الفجر (2) - شب سلامت دلها و جانها، شب شفای بيماريهاي اخلاقي، بيماريهاي معنوي، بيماريهاي مادي و بيماريهاي عمومي و اجتماعي كه امروز متأسفانه دامان بسياري از ملتهاي مسلمان را گرفته است! سلامتي از همه اينها، در شب قدر ممكن و ميستر است؛ به شرطي كه با آمادگي وارد شب قدر شويد.

دعا و توجه شما، ذكر خدا در دلهاي پاك و نوراني شما جوانان عزيز، معجزه‌ها و كارها مي‌كند. خود را از اكنون آماده كنيد. مخصوص اين ايام هم نيست؛ در تمام عمرتان رابطه با خدا، در شما صفا و اخلاص را تقويت مي‌كند و صفا و اخلاص، گره گشاي همه كارهاست.

من از امام بزرگوار راحلمان كه معلم و امام و محبوب بسيجيان كشور، بلكه محبوب همه انسانهاي پاك نهادی بود كه دل آنان در هر نقطه دنيا، به ياد يك معنويت و حقيقتي مي‌نيبد، مثالي براي شما بزنم.

عزيزان من! امام، آن كاري كه كرد - و عظيمترين كاري بود كه ما در زمان معاصر و نزديك خودمان سراغ داريم - به برکت اخلاص بود؛ اخلاص! اخلاص نبود، شخصيت عظيم و جوهر مستحكم امام هم براي اين كه اين كارها را پيش ببرد، كافي نبود. يك حكومت فاسد و ريشه داري را كه همه قدرتهاي استكبار هم از آن حمايت مي‌كردند، از اين سرزمين، از بيخ و بن بركنند؛ مردم را از شر آن حكومت راحت كند و يك حكومت الهی به وجود آورد! آن همه فساد را در جامعه با همين حرکت از بين ببرد و نفوذ دشمنان و تسلط امريكا را كه دو قرن در تحقير ملت ايران كوشيده بودند و در عقب نگه داشتنش سعي بليغ داشتند، قطع كند! اينها كارهاي كوچكي نيست. بعد از بيروزي هم يك جنگ هشت ساله را كه در واقع، همه قدرتهاي مسلح دنيا پشتيبان جبهه مقابل ما بودند، با بيروزي ملت ايران تمام كند و اين همه توطئه‌ها را خنثي نمايد. اين، جز به برکت اخلاص امام، ممكن نبود. بعد هم كه از دنيا مي‌رود، نه ميليون انسان در خيابانهاي تهران، او را مشايعت كنند، تا در مضجع و مقام ابدی، به خاكش بسپارند! اينها به برکت اخلاص بود. امروز هم بحمد الله، روزه روز نام امام در دنيا بلندتر مي‌شود و علاقه مندان و ارادتمندان او در اكناف عالم، روبه ترايدند.

اخلاص يعني چه؟ اگر اخلاصي را كه امام داشت و ما به آن، در دل همه شما هست - و مختصراً معنا خواهم كرد - شما هم داشته باشيد، ما هم داشته باشيم، دست اندركاران هم داشته باشند، امروز هم تمام توطئه‌هاي دشمن، نقش بر آب خواهد شد! آن سلاحي كه هيچ دشمن مادي، قادر

به مقابله با آن نیست، سلاح ایمان مخلصانه و عمل مخلصانه است. اخلاص یعنی این که انسان، کار را برای خدا و به عشق انجام وظیفه، انجام دهد. انسان برای هوای نفس، برای رسیدن به مال، به ثروت، به مقام، نام نیک، قضاوت تاریخ، برای انگیزه‌های نفسانی، برای انبساط صفت پلید حسد، طمع، حرص، زیاده‌طلبی و افزون‌طلبی کار نکند! کار را برای خدا و محض انجام وظیفه بکند. این، معنای اخلاص است. چنین کاری پیش می‌رود. این‌گونه کاری مثل شمشیر برنده، هر مانعی را از سر راه برمی‌دارد. امام با این سلاح، مجهز بود. بارها گفت من نسبت به نزدیکترین نزدیکان خود هم، اگر قدمی برخلاف حق بردارند، اغماض نمی‌کنم و همین‌طور هم بود. در مواقع حساس نشان داد که آنچه برای او مطرح است، انجام وظیفه است. در آشکار، در خلوت، در کارهای بزرگ و کارهای کوچک، این را نشان داد. این درسی شد برای مریدان، فرزندان و شاگردان امام که با همین سلاح در جبهه‌های جنگ، آن روز آن معجزه‌ها را آفریدند! بعضی از شما در آن میدانها بودید، خودتان از نزدیک آنها را دیدید، بعضی هم شنیدید. امروز هم به همان احتیاج است.

عزیزان من! کسی گمان نکند که توطئه دشمن، با گذشت هجده سال از پیروزی انقلاب، تمام شد؛ نه! دشمن، از مقابله با نظامی که منافع نامشروع استکبار را در منطقه، از او گرفته است، آشتی نخواهد کرد. البته به زبان، چیزهایی اظهار می‌کنند، ولی باطن، چیز دیگری است!

نظام اسلامی به همت والای ملت ایران و آن رهبری الهی، توانسته است الگویی در دنیا درست کند که امروز بسیاری از ملت‌های مسلمان، به آن الگو نگاه می‌کنند. شما خیال می‌کنید که استکبار، از چنین چیزی به آسانی می‌گذرد؟! امروز در هر جای کشورهای اسلامی و حتی بعضی کشورهای غیر اسلامی، هر ملت و هر جمعیتی که می‌خواهد علیه زیاده‌طلبیهای استکبار جهانی اعتراضی بکند، با شعار شما ملت ایران - حتی با تمسک به نام ملت ایران و به امام راحل - این کارها را می‌کند! امریکا و ابداً استکباری و دنباله‌روها و جیره‌خوارهایش، از این نمی‌گذرند؛ مبارزه می‌کنند، توطئه، حيله‌گری، و کید و مکر می‌کنند. مثل این‌که تا به حال در این هجده سال کردند. البته کید و مکر دشمن، در مقابل آگاهی و بیداری و حضور و فعالیت درست ملت و دولت، خنثی خواهد شد و اثری نمی‌کند؛ اما باید بیدار بود، باید هوشیار بود، باید رابطه را با خدا قوی کرد، باید اخلاص را تقویت کرد.

من به شما عرض کنم که توطئه دشمن، در گذشته يك تفاوت با امروز داشت. در گذشته، توطئه دشمن از روی بی‌تجربگی بود. یعنی امریکا، استکبار جهانی، کمپانی‌داران بزرگ صهیونیست و امثال آنها که می‌خواستند با ملت و انقلاب ایران مبارزه کنند، از روشهای ساده‌تری استفاده می‌کردند که برای همه، قابل افشا بود. مثلاً تحریک به حمله نظامی و راه انداختن جنگ، توطئه بود؛ اما همه، این را می‌شناختند. توطئه روشن می‌شد؛ مردم به پا می‌خاستند و مقابله می‌کردند. با مثل حمله امریکاییها به صحرای طیس و از این قبیل، آنچه که انجام دادند - محاصره اقتصادی، حملات تبلیغی و غیره - کارهایی آشکار بود. به مرور فهمیدند که نمی‌شود ملت ایران و انقلاب اسلامی را با این توطئه‌ها و کارها شکست داد. این تجربه، موجب شده است که روشهای خودشان را پیچیده‌تر کنند. به همان نسبتی که آنها روشها را پیچیده‌تر می‌کنند، ملت ایران هم بایستی هوشیارتر را بیشتر کند. جوانان بایستی آمادگی‌شان را بیشتر کنند. نه آمادگی جنگی؛ چون امروز بحث جنگ نظامی نیست. البته آمادگی رزمی هم برای روز میبادا ضروری است؛ اما آن چیزی که برای همه لازم است، آمادگی معنوی؛ یعنی آمادگی فکری، آمادگی روحی، آمادگی سیاسی و حفظ وحدت، اتصال و ارتباط نیروها با یکدیگر، ارتباط مستحکم و دوستانه ملت و دولت و شناختن چهره دشمن در هر لباسی است. دشمن با شکلهای مختلفی خود را به مقابله با انقلاب می‌کشانند. همیشه با لباس نظامی وابسته به فلان دولت بیگانه، جلو نمی‌آید.

جندی قبل، در یکی از اجتماعاتی که درباره انقلاب و خطرات انقلاب برای استکبار، در یکی از کشورهای بیگانه تشکیل شده بود، بعضی از کسانی که در آنجا سخنرانی کردند، گفته بودند که انقلاب اسلامی، به وسیله روحانیت و به پشتیبانی جوانان حوزه و دانشگاه پیش رفت و به طور کلی با تکیه به نسل جوان ادامه یافت. برای زدن و کوبیدن انقلاب هم باید از همین وسیله استفاده کنیم! باید سراغ حوزه علمیه، سراغ يك معمم و سراغ حوزه و دانشگاه برویم؛ بلکه از آن طریق بتوانیم این انقلاب را ضربه بزنیم! غافل از این‌که حوزه ما بیدار است، دانشگاه ما بیدار است، بزرگان ما بیدارند. کسانی که توطئه می‌کنند، ملت ایران را بد شناخته‌اند! در این توطئه‌ای که اخیراً نشانه‌های آن را مشاهده کردید - که من مایل نیستم در جزئیات این‌گونه چیزها وارد شوم - دلم نمی‌خواهد از کسانی اسم بیاورم؛ اما اصل قضیه را ملت ایران، باید درست توجّه کند و اعماق توطئه را بداند.

عزیزان من! ما در شناختن دشمن، دچار اشتباه نخواهیم شد؛ این را دشمن بداند! خیال نکند که اگر آمدند و چند نفر آدم ساده‌لوح و معمم را وادار کردند که حرفی بزنند، ما اشتباه می‌کنیم و خیال می‌کنیم که دشمن ما اینها هستند! اینها کسی نیستند! دشمن، خود را پشت پرده پنهان می‌کند. دشمن که جلو نمی‌آید و خود را نشان نمی‌دهد. دشمن سعی می‌کند شناخته نشود! آن کسی که سینه سپر می‌کند و به خیال خود جلو می‌آید، يك عامل است؛ ممکن است خودش هم نداند عامل است!

امام بزرگوار، مکرّر می‌فرمود که گاهی دشمن با ده واسطه، يك نفر را تحریک می‌کند که حرفی بگوید، یا کاری را انجام دهد! اگر شما بخواهید دشمن را بشناسید، باید ده واسطه را طی کنید و بروید. دشمن انقلاب در ایران - یعنی ابداً استکبار جهانی - راحت می‌تواند ده واسطه پیدا کند و خودشان را در حوزه قم، به بیچاره‌ای برسانند و او را به حرفی، به گفته‌ای و به يك موضعگیری غلط و ناشایسته وادار کند! آن قدر در کشور، و روشکستان سیاسی، ضربت خورده‌های از انقلاب، تودهنی خورده‌های از همین بسیج، ضربت خورده‌های از دادگاههای انقلاب، ساواکیهای قدیم و کسانی که امیدشان به این بود که نظام مزدور گذشته ظالم بماند و آنها از آن استفاده کنند و محروم مانند، هستند که واسطه بشوند تا آن ده واسطه را درست کنند و خبر غلط و حرف دروغی را به فلان آدم بیچاره و مغلوب بدهند و او خیال کند که اوضاع و احوال به صورتی است که باید حالا حرفی زد؛ خودش و دیگران و زن و بچه خود را به بلا بیندازد!

باید هوشیار بود. من امیدوارم که ملت ایران در شناخت دشمن، اشتباه نکند و دشمن را بشناسد. دشمن، استکبار جهانی و امریکاست. دشمن، صهیونیستها هستند. دشمن برای مبارزه با انقلاب، انواع و اقسام روشها را تجربه کرده است. این دفعه به خیال خود خواستند روش مؤثرتری را تجربه کنند و آن، هدف گرفتن رهبری است! یقیناً بعد از مطالعه زیاد و با اطلاع از اوضاع و احوال گوناگونی - و البته خبرهای راست و دروغی - توانسته‌اند به این نتیجه برسند که باید رهبری را هدف قرار داد! چرا؟ به خاطر این‌که می‌دانند در کشور، اگر يك رهبری مقتدر وجود داشته باشد، همه توطئه‌های آنها نقش بر آب خواهد شد؛ والا اینها با شخص، طرف نیستند! شخص، برای اینها مهم نیست؛ هر کس باشد. مگر همین کسانی که امروز به این زبان خشن حرف می‌زنند و این‌طور ناجوانمردانه سیل تهمت و افترا روانه می‌کنند، با امام، طرف نشدند؟! همین افراد با امام هم طرف شدند؛ دل امام را بر از خون کردند، که امام در آن نامه، به آن اشاره فرمود! همین کارها را با رهبری می‌کنند؛ چون می‌دانند رهبری در جامعه اسلامی و ایران اسلامی، گره‌گشاست.

رهبری، یعنی آن نقطه‌ای که هر جا دولت - هر دولتی در ایران - مشکلی داشته باشد، مشکلات لاعلاجش به دست رهبری حل می‌شود. توجّه کنید؛ هر جا که تبلیغات دشمن کاری کند تا مردم را به دولتها بدبین سازد، این‌جا نقش رهبری است که حقیقت را برای مردم، روشن، و توطئه دشمن را بر ملا می‌کند. این چند ساله ندیدید که درباره دولتها، دولتمردان و مسؤولان چه می‌کردند و چگونه سعی می‌نمودند که تبلیغات دروغ و ترفندهای گوناگونی را رایج کنند تا مردم را مایوس نمایند!

آن‌جایی که می‌خواهند مردم را مایوس کنند، رهبری است که امید به مردم می‌دهد. آن‌جایی که می‌خواهند يك توطئه سیاسی بین‌المللی برای ملت ایران به وجود آورند، رهبری است که قدم جلو می‌گذارد و تمامیت انقلاب را در مقابل توطئه قرار می‌دهد - مثل همین قضیه اخیر اروپا که ملاحظه کردید - و دشمن را وادار به عقب‌نشینی می‌کند. آن‌جایی که می‌خواهند در بین جناحهای گوناگون مردم، اختلاف ایجاد کنند، رهبری است که می‌آید مایه الفت و مانع از تفرقه می‌شود.

آن‌جایی که می‌خواهند صندوقهای انتخابات را خلوت کنند و مردم را از حضور در پای صندوقها و رأی دادن مایوس نمایند، رهبری است که به مردم

الگو می‌دهد و می‌گوید که انتخابات وظیفه است. آنگاه مردم اعتماد می‌کنند، وارد می‌شوند و حماسه عظیمی می‌آفرینند. آنجایی که جایگاه ابراز نظر مردم در مسائل انقلاب است، چشم مردم به دهان رهبری است.

در زمان امام راحل این را بارها تجربه کردند و به لطف پروردگار، تو دهنی خوردند. بعد از رحلت امام راحل هم با کمک مردم، با همت و با همکاری مردم، دهها بار با همین کیفیت و همین شیوه، پیوند جوشیده استوار میان مردم و رهبری، توانسته است مشت محکم به دهان دشمنان بزند. لذا بسیار طبیعی است که با رهبری، بد باشند و کینه عمیق داشته باشند؛ جای تعجبی ندارد. البته رهبری مقتدر؛ اگر يك رهبری بی‌حال، بی‌جان و بی‌حضور باشد - که نه از جایی خبر دارد و راحت می‌شود ذهنش را عوض کرد؛ راحت می‌شود او را به اشتباه انداخت - چنین رهبری ضعیفی، چندان برایمان اهمیت ندارد. اما اگر قرار شد رهبری مقتدری که اسلام می‌گوید، مردم می‌خواهند، انقلاب طلب می‌کند و قانون اساسی حکم می‌کند، باشد، با آن مخالفند! حق دارند مخالف باشند! من تعجب نمی‌کنم از این‌که این رهبری را هدف قرار دهند!

البته ملت بیدارند. علما، بزرگان و مسؤولین کشور، به فصل پروردگار، مثل همیشه در نهایت هوشیاری عمل کردند و تا دیدند که توطئه است، اقدام نمودند. البته سخنرانی در دنیا زیاد است، شب‌نامه در دنیا زیاد است، حرف نادرست، نهمت و افترا و دروغ، کم نیست؛ اما هر نهمت و دروغی، توطئه نیست، هر شایعه‌ای به وسیله دشمن نیست. آن شایعه‌ای که توطئه دشمن است، به وسیله انسانهای خیر و بصیر شناخته می‌شود.

اول کسی که در مقابل این حرفها در این چند روز - این یکی دو هفته - وارد میدان شد و حرف زد، رئیس‌جمهور عزیزمان جناب آقای خاتمی بود. در مصاحبه خود به شکل بسیار دقیق و هوشمندانه، آنچه را که می‌خواستند در ذهن مردم القا کنند، ایشان از ذهن مردم، پاك کرد، رفت و در مقابل این توطئه قرار گرفت؛ آنها هم خیلی عصبانی شدند.

بعد از انتخابات ریاست جمهوری امسال که برای مردم، يك حادثه شیرین بود - سی میلیون جمعیت در انتخاباتی شرکت جویند، رئیس‌جمهوری را با بیست میلیون رأی انتخاب کنند، بعد دولت تشکیل شود، مجلس شورای اسلامی به تمام وزرا رأی دهد، وزرا بدون هیچ دغدغه‌ای در سرتاسر کشور مشغول کارشان شوند و به موقع گزارش دهند؛ اینها کارهای کوچکی نیست. اینها برای مردم، رخدادهای شیرینی است - به همین نسبت برای دشمن، تلخ بود. نتوانستند تحمل کنند. فهمیدند که این انسجام، این حرکت صحیح و عمومی و مردمی، قانونی دارد. قانون آن، وحدت ملت است؛ قانون آن، انسجام است؛ قانون آن، اعتقاد است. خواستند این اعتقاد، این ایمان و این همبستگی مردم را از بین ببرند و این‌طور وانمود کنند که در نظام جمهوری اسلامی، تشنّت هست!

امروز کسانی که به رادیوهای بیگانه گوش می‌دهند - که غالب این تحلیلهای غلط هم از رادیوهای بیگانه است - پی می‌برند که متأسفانه آدمهای ساده‌دل، عین همان را که دشمن القا و پول خرج می‌کند تا آن را به ذهنهای مستمعین خود برساند، قبول می‌کنند! اگر کسی به این رادیوها گوش بدهد، خواهد دید که غوغا می‌کنند تا ثابت کنند الان در نظام جمهوری اسلامی، اختلاف، دودستگی، دو جریانی و دشمنی هست و همدیگر را تحمل نمی‌کنند!

بیچاره‌ها! نه ملت ایران را شناختید، نه انقلاب را شناختید، نه روحانیت را شناختید، نه مسؤولان را شناختید! با همین جهل و بی‌خبری بود که در انقلاب، شکست خوردید! با همین جهل و تحلیل غلط بود که هجده سال است شکست می‌خورید! به فضل الهی، با همین اشتباهی که می‌کنید، در این دفعه هم به دست مردم شکست خوردید و تا آخر، همیشه شکست خواهید خورد!

دشمن سعی کرد بگوید دو جریان است که با هم مخالفند، و بر سر اختیارات، با هم اختلاف دارند. نخیر؛ ایشان در مصاحبه، قشنگ تشریح و روشن کردند. معلوم شد که روابط، کاملاً تعریف شده و مشخص است. همه می‌دانند که تکلیف و وظیفه‌شان چیست و با همکاری و محبت، کارهای خودشان را پیش می‌برند. دشمن، این‌جا ناکام شد! بعد هم بزرگان و مراجع عظام قم ایستادند. یکی از برکات مهم الهی برای این کشور، وجود مراجع آگاه است. مرجع تقلید آگاه، برای مردم از هر نعمتی بالاتر است. مرجع تقلید آگاه، مرجعی که فریب نمی‌خورد، مرجعی که ذهن او را تبلیغات دشمن نمی‌سازد، مرجعی که تحلیل سیاسی خود را از رادیو اسرائیل نمی‌گیرد، خیلی ارزش دارد. دیدید که مراجع، چطور در مقابل این زرمه‌ها و شایعه‌های دشمن‌ساز، ایستادند؛ بعد هم حوزه و روحانیت قم، بعد هم شهرهای مهم و مختلف کشور، موضع خودشان را مشخص کردند. معلوم شد که ملت ایران، بیدار است. انصافاً هم ملت، هم مسؤولان و هم روحانیون، موضع بسیار خوبی نشان دادند. من از یکایک آنها تشکر می‌کنم؛ نه به خاطر شخص. عزیزان من! این‌جا مسأله شخص نیست، من هم مثل یکی از شما، از نظام اسلامی، از رهبری اسلامی و از ولایت فقیه به عنوان ستون فقرات این نظام، باید دفاع کنم. وظیفه من است. تکلیف شرعی است؛ مسأله شخصی نیست. به خاطر مسؤولیت سنگینی که من دارم، از همه کسانی که در این برهه، قدم در میدان گذاشتند تا حرف دشمن را در گلوئی او خفه کنند و مشت به دهان دشمن بکوبند، صمیمانه تشکر می‌کنم.

همین‌جا می‌خواهم از همه خواهش کنم که دیگر این راهبیماییها را متوقف کنید؛ بس است. وقت برای حضور در صحنه و در میدان، در راهبیمایی برای مسائل و قضایایی که همیشه این ملت با آن مواجه است، بسیار است؛ لزومی ندارد که این راهبیماییها ادامه پیدا کند. در هر جای کشور، من خواهش می‌کنم دیگر راهبیمایی نکنند. البته گویندگان و نویسندگان، باید ذهنها را روشن کنند. تکلیف هدایت مردم، يك تکلیف الهی است. در این قضیه، ممکن است بعضی تصور کنند که به شخص، ظلم شد. اگر در این مسأله به شخص من ستمی رفته باشد و کسی ظلمی کرده باشد، من از حق شخصی خودم به طور کامل می‌گذرم و هیچ شکایتی از هیچ‌کس ندارم.

البته امام بزرگوار در طول ده سال، خیلی حرفها داشت که بعضی از آنها را به مردم گفت، خیلی را هم به مردم نگفت! ما هم حرفهایی داریم که اگر خدای متعال در پیشگاه خودش اجازه نطق داد، با خود او در میان خواهیم گذاشت. لزومی ندارد که انسان همه چیزها را بگوید! من مسأله شخصی در این قضیه ندارم؛ اما از حق مردم مطلقاً اعماض نخواهم کرد.

آن کسانی که خواستند خاطر مردم را معشوش، ذهن مردم را خراب و امنیت مردم را به هم بزنند، به خیال خود خواستند مردم را در مقابل یکدیگر قرار دهند و صفوف را از هم جدا کنند. اینها به مردم خیانت کردند، به انقلاب و به کشور خیانت کردند و البته باید در چارچوب قانون با اینها رفتار شود. من خواهش می‌کنم هیچ کار و هیچ حرکت غیرقانونی نشود. هیچ‌کس از آحاد مردم درصدد برنیاید که خودش برود و به خیال خود، کسی را مجازات کند؛ نه، به عهده قانون است. البته به هیچ‌وجه نباید انتقام‌گیری کرد؛ انتقام‌گیری چیزی نیست که جایش این‌جا باشد. انتقام را از دشمنان مستکبر، در جای خود باید گرفت. کسانی که از روی نادانی، نفهمی، هواک نفس زودگذر، هواهای بشری ناشی از خصال زشت و بد و حسد و غیره، اقدامی می‌کنند، شایسته این نیستند که کسی به فکر انتقام‌گیری از آنها بیفتد؛ لیکن قانون باید اجرا شود. اگر این کارهایی که بعضی کردند و می‌خواهند باز هم ادامه بدهند - من اطلاع دارم که باز هم برای آینده، برنامه‌هایی دارند - غیرقانونی است و اگر خیانت به مردم است - که هست - باید مسؤولین اجرایی و قضایی، وظایف خودشان را درباره اینها انجام دهند. البته من اطلاع دارم که انجام هم خواهند داد و هیچ‌گونه سستی‌ای در این زمینه وجود نخواهد داشت.

عزیزان من! آنچه مهم است، این است که همه آحاد ملت، بخصوص جوانان، بخصوص اعضای بسیج - بسیج دانش‌آموزی، دانشجویی، کارگری، صغی و عشایری، یگانهای گوناگون بسیج - و کسانی که جزو سازمان بسیج نیستند و در واقع جزو بسیجند، همه و همه در پای انجام تکلیف، حاضر و آماده باشند؛ خودشان را برای دفاع از اسلام و انقلاب آماده کنند.

دفاع هم همیشه، با آلات فهریه نیست؛ با مشت نیست، با تفنگ نیست. گاهی دفاع، با فهمیدن است. گاهی دفاع، با زبان است. گاهی دفاع از

حقیقت، با حضور در جایی است. شاید یکی از بزرگترین خدماتی که انقلاب به ملت ایران کرد، این بود که ذهنها را باز کرد، ذهنها را سیاسی کرد، چشمها را باز کرد، و همه را با مسائل کشور آشنا کرد. این آشنایی و این بصیرت، باید روزبه‌روز بیشتر و زیادتر شود. اگر این بشود، دشمن هیچ‌کاری نمی‌تواند انجام دهد. شما بدانید مسئولین کشور، همه آماده هستند برای این‌که وظایف خودشان را به بهترین وجهی انجام دهند.

امروز مسئولین قوه قضائیه، مسئولین قوه مقننه، مسئولین قوه مجریه، اعضای هیأت دولت، شخص رئیس‌جمهور محترم، همه کسانی که دست‌اندرکارند، نیروهای نظامی و انتظامی، کسانی که در بخشهای مختلف مسئولند، همه آماده هستند تا آنچه که وظیفه الهی و اسلامی آنهاست، انجام دهند و هیچ سستی و کوتاهی وجود ندارد. همه هم در یک جهت حرکت می‌کنند.

دشمن به اختلاف سلیقه درباره فلان مسأله سیاسی نگاه نکند و خیال کند که بین اینها اختلاف است؛ نه. درباره مسائل اصلی جامعه، درباره ناموس انقلاب و مسائل اساسی اسلام، هیچ اختلافی بین اینها نیست. یکپارچه‌اند و روحانیت معظم و بزرگان حوزه‌های علمیه هم مثل همیشه، در جلوی صفوف قرار دارند و حرکت می‌کنند.

بنده از خدای متعال خواسته‌ام که جسم و جان ناقابل من هم در همین راه و در خدمت اسلام و ملت ایران قرار گیرد. آنچه در اختیار من وجود دارد و خدای متعال، به ودیعه به من سپرده است - جسم و جان و نیروها و همه و همه - به فضل پروردگار در خدمت این راه و در مقابله با دشمن خواهد بود. دشمن بداند این انقلاب اسلامی، همان انقلابی است که تحت امپراتوری استکبار را لرزاند و با همان قدرت، با همان هیبت، با همان هیمنه و به فضل الهی با همان پیروزیها و پیشرفت‌هاست. بحمدالله نیروی عظیم جوانان هم در صحنه هستند.

خداوند همه شما را حفظ فرماید و دل‌های نورانی شما را با انوار معرفت خود روشنتر و نورانیتر کند. ان‌شاءالله به همه شما لطف و فضل خود را عنایت کند و وجود مقدس ولی‌عصر ارواحنا فداه و عجل‌الله فرجه، از همه شما راضی باشد و روح مقدس امام بزرگوار، شما را مشمول دعای خود قرار دهد.

والسلام علیکم ورحمة‌الله وبرکاته